

راحله: بگو شبلی، از من چه بدی ظاهر شد که سزاوار این جفا شدم؟ و در آن جهان به مادرم که خبر ندید چه بگویم؟ چه خطادیدی که از من بریدی - چه بود که ترکم کردی؟ شبلی گویی در صدای راحله موسیقی دلنوازی را می شنود؛ چشم بسته است و نیک دل به گفتار او سپرد. شبلی: سوگند به شب چون شکسته شود و روز چون برآید، که از تو جز مهر ندیده‌ام که همه عمر از آن محروم بوده‌ام. بیماری جهان تو بر من باد و سایه‌ات از زمین کم مباد؛ اما اینکه آدمم به اختیار من نبود. من می‌روم چون خواننده شده‌ام.

آنچه خواندید گزیده‌ای است از دیالوگهای فیلمنامه «روز واقعه» که یکی از موفق‌ترین فیلمهای تاریخی - مذهبی سینمای ایران بر مبنای آن ساخته شده است. یکی از دلایل این موفقیت، فیلمنامه اثر بوده و یکی از ارکان مهم فیلمنامه «روز واقعه» را نیز باید در دیالوگهای آن جست‌وجو کرد. دیالوگ یکی از اجزای مهم فیلمنامه است که در همراه کردن مخاطب با فیلم سهمی بسزا دارد. دیالوگ به گفت‌وگوی میان دو شخصیت یا بیشتر گفته می‌شود و رابطه مستقیم با شخصیت‌پردازی دارد. بنابراین پیش از نوشتن دیالوگهای فیلمنامه، بایستی دقیقاً شخصیت مورد نظر شناخته شود؛ حرفه، تحصیلات، رده اجتماعی، وضع خانوادگی، سن و... با آنچه او بر زبان می‌آورد، رابطه مستقیم دارد.

ابراهیم مکی در کتاب «مقدمه‌ای بر فیلمنامه‌نویسی» می‌گوید: از نقطه‌نظر دیالوگ‌نویسی، نویسنده داستان در شکل دادن و عینیت‌بخشیدن به قهرمانان اثرش، نسبت به نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس، هم از نظر مقدار کلماتی که در دهان این افراد می‌گذارد و هم از جهت نوع، حالت و شیوه ترکیب آنها با یکدیگر آزادی بیشتری دارد. در مقایسه فیلمنامه با نمایش یا داستان به خاطر نزدیکی بیشتر سینما با واقعیت‌های ملموس دنیای اطراف و توانایی‌اش در حضور پیدا کردن مستقیم در هر موقعیت و شرایطی، این انتظار در تماشای به وجود می‌آید که پیش از تئاتر یا هر شکل هنری دیگر مقید به تطابق با واقعیت‌های موجود در عالم واقع باشد. دیالوگ در سینما نیز تابع قوانین کلی

حاکم بر کلام دراماتیک است.

### شغل؛ دیالوگ‌نویسی

در سینمای هالیوود، در کنار فیلمنامه‌نویس همیشه یک یا چند دیالوگ‌نویس نیز حضور دارد. دیالوگ‌نویسها حرفه‌ایی را که شخصیتها قرار است بگویند در دهان آنها قرار می‌دهند. دیالوگ‌نویسهای حرفه‌ای همیشه یک دفترچه به همراه دارند؛ و در خیابان، فروشگاه، مترو، تاکسی، اتوبوس و... گفت‌وگوهای را که می‌شنوند می‌نویسند؛ اما هیچ‌گاه این دیالوگها را به صورت مستقیم در دهان شخصیت نمی‌گذارند، بلکه آنها را از صافی ذهن و قوه تخیل خود عبور می‌دهند و در جهت اندیشه فیلمنامه‌نویس آنها را پردازش می‌کنند. یکی از وظایف دیالوگ این است که در ذهن تماشاچی بماند و اندیشه او را تحت‌الشعاع قرار دهد.

شخصیت سینمایی در حال تحول است؛ اگر تغییر نکند و خنثی بماند، شخصیتی پویا نیست؛ و شخصیت بی‌تحرك در سینما جایی ندارد. شخصیت همان‌گونه که متحول می‌شود، کلام او نیز تغییر می‌کند. دیالوگها اولین نشان تغییر شخصیت است.

اگر از مخاطبان سریال «دوران سرکشی» بوده باشید، حتماً به خاطر دارید که شخصیت اول این سریال که چند وجه داشت، در هر کدام از مراحل زندگی‌اش دیالوگهای مجزایی می‌گفت.

فیلمنامه‌نویسها معتقدند که هنگام نوشتن دیالوگها، نویسنده باید آنها را چند بار با صدای بلند با خود تکرار کند. زمانی که این دیالوگها به راحتی بازگو شدند و به اصطلاح سخته نداشتند، دیالوگ خوب است. فیلمنامه‌نویسها بعضی اوقات می‌گویند کلمات در دهان بازیگر نمی‌چرخد و لحن ادای آنها خوب نیست؛ این نشان می‌دهد که نویسنده تجربه چندانی در این زمینه نداشته و فقط به تخیل خود رجوع کرده و آنچه را به ذهنش رسیده، نوشته است. در حالی که نویسنده دیالوگ علاوه بر قوه تخیل قوی باید تجربه زیاد داشته باشد، اجتماع و مردم را خوب بشناسد و بداند هر طیف از جامعه چگونه صحبت می‌کنند.

راستی شما هم شاید بیننده میان‌برنامه‌های آموزشی راهنمایی و رانندگی که از تلویزیون پخش می‌شود باشید. دیالوگهای این برنامه‌ها خیلی حساب‌شده نوشته شده‌اند و با شخصیتها تطابق دارند. برای نوشتن دیالوگ خوب، علاوه بر مطالعه فیلمنامه‌های منتشرشده و تماشای فیلمهایی که از روی آنها ساخته شده، بد نیست بعد از این به گفت‌وگوهای که می‌شنوید به خوبی دقت کنید.